

چه زیباست کُرش خورشید

حضرت آیت الله العظمی سیستانی، رفتاری کریمانه و موضعی حکیمانه

سید ضیاء مرتضوی *

عالمان بزرگ به نسبت نقشی که در تاریخ ایفا می‌کنند وجود و زندگی آنان نقطه عطفی به شمار می‌رود که درسی است بس آموزنده و ماندگار در اذهان بشری؛ اما در زندگی هر یک از آنان، گاه نقطه‌های اوجی پدید می‌آید که خود نقطه عطف در حیات فردی یا اجتماعی آنان است و زیانزد عام و خاص می‌گردد.

بیش از هشتاد سال پیش، مسلمانان به ویژه شیعیان شاهد نقطه عطفی در زندگی افتخارآمیز مرجع یگانه شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمة الله علیه بودند. در حالی که آوازه مرجعیت و ریاست دینی ایشان، مرزهای عراق و ایران و سایر مناطق را پشت سر گذاشته بود، دست طمع و کینه و جهل از آستین یک جانی دنیاطلب به نام «شیخ علی قمی» درآمد و فرزند جوان و عالم وی، مرحوم حجت‌الاسلام سید حسن را در صحن شریف مرقد امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام، در حالی که نماز مغرب را به امامت پدر بزرگوار خود برگزار کرده و مانند دیگر نمازگزاران مشغول تعقیبات نماز بود، سر برید. قاتل چاقو به دست خود را به نگهبانی درب حرم شریف رساند تا جان سالم به در ببرد. بهانه او نیز انتقام‌گیری از آن مرجع بزرگ بود که چرا به خواسته‌های زیاده طلبانه مادی او تن نداده است. این در حالی بود که کسانی که با مقطع زمانی مرجعیت و ریاست این فقیه بزرگ آشنا هستند و

* استاد و محقق فرزانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی مدرس درس خارج در حوزه علمیه قم و مسئول پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی. از ایشان تاکنون علاوه بر چندین جلد کتاب فقهی، مقالات علمی نیز در جراید کشور چاپ و منتشر شده است.

می‌دانند یکی از نقاط برجسته سلوک و شخصیت این مرجع عالی‌مقام، توجه فراوان به وضع زندگی و شئون معیشتی طلاب و علما در حوزه‌ها و مناطق مختلف بوده است؛ به ویژه که اموال بسیاری از سراسر جهان از سوی مؤمنان و علاقه‌مندان در اختیار ایشان قرار می‌گرفت. اینکه این جنایت، آن هم در آن مکان و زمان مقدس و نسبت به فرزند عالم و جوان یک مرجع مطلق و پرآوازه، آیا تنها با تصمیم فردی و انگیزه شخصی قاتل صورت گرفت یا عامل و عوامل دیگری در پی‌اهداف شوم خود، این شیخ دنیاطلب را ابزار دست قرار داده بودند، پرسشی است که پاسخ آن هر چه باشد، اصل اهمیت عکس‌العمل این فقیه وارسته و رهبر دوران‌دیش شیعی را در حاشیه قرار نمی‌دهد. این قتل فجیع، با توجه به جوانب مختلف آن رویداد بزرگی بود، اما آنچه بسی بزرگ‌تر و مؤثرتر و ماندگارتر است سکوت و گذشت این پدر داغ‌دیده بود که برای همیشه نقطه عطف دیگری را در زندگی پربار وی پدید آورد. این مرجع بلندنظر نه تنها قاتل را عفو کرد، بلکه طبق نقل با جمع‌آوری پانصد تومان پول از اشخاص و پرداخت آن، مانع زندانی شدن قاتل به خاطر جنیه عمومی جرم گشت. عکس‌العمل ایشان نشان می‌دهد فردی که در مکتب تربیتی اسلام رشد کرده، وقتی در جایگاه رهبری دینی و هدایت اُمت قرار می‌گیرد، از چه منظری باید به شئون فردی و اجتماعی و خانوادگی خود بنگرد و چه گردنه‌های دشوار و گرداب‌های خطر‌خیزی را برای هدایت درست خلق و سکانداری کشتی طوفان‌زده اُمت پیش رو دارد. امروز و آینده، همه، موضع آن مرجع بزرگواری در عفو قاتل و احسان به وی را تحسین می‌کنند، همان‌گونه که در گذشته و همان زمان تحسین کردند، و حتی شاعران سرشناسی در سوگنامه‌های خود به ستایش این رفتار پرداختند؛ اما نه فقط به این خاطر که فردی عالم به نام سید ابوالحسن اصفهانی به عنوان یک اقدام فردی و شخصی از سر قاتل فرزند خود گذشته است؛ بلکه درست از این منظر که آن فقیه فرزانه، در جایگاه رهبری دینی، کاملاً به موقعیت خطیر خود آگاه است و به مقتضای آن عمل می‌کند.

از همین نگاه است، یکی از عالمانی که در سوگ آن فرزند و برای تسلیت خاطر این پدر، قصیده‌ای سرود، یعنی شیخ محسن آل‌شراره در بخشی از سروده خود خطاب به آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی می‌گوید:

«ای اباحسن، صبری زیبا سزاوارتر است، در حالی که تو امام این جامعه‌ای. آیا ندیدی چشم‌ها پیرامونت خیره شده و سرگردان در پی روشنی‌هایند؟ به آنها نشان ده، که اگر هم ما راه گم کنیم، تو مایه هدایت‌مان در قضایای دشوار هستی. تو از پیامبر فصلهای محکم آگاهی از رازهای امامت را ارث بردی، و خدا تشخیصی و نظری بالا به تو ارزانی کرد که با آن، درب بزرگ مشکلات را گشودی. کاری مهم کردی، کاخی قوی و با بنیادی استوار را حمایت کردی. زمانی که قضایا پیچیده شد تو راه افتادی که با حلم و شکیباییات آنها را درست کنی. دست خود را از پستیها می‌کشی و در بزرگواریها و کرامتها می‌گشایی.»^۱

اینک پس از هشتاد سال، در همان حوزه مبارک نجف و از جایگاه مرجعیتی وارسته و هوشیار که خود را به درستی فراتر از این جریان و آن جریان و این کشور و آن کشور می‌بیند و در اوضاع بسیار دشوار جهان اسلام به ویژه عراق تلاش می‌کند به رغم توطئه‌ها و تلاشهای گسترده دشمنان دانا و دوستان نادان، خسارتهای کمتری متوجه جهان اسلام گردد، شاهد موضع‌گیری افتخارآمیزی از وی هستیم که به راستی نقطه عطفی در موضع‌گیریهای بزرگان حوزه پرسابقه و بزرگ نجف اشرف به شمار می‌رود و الگویی برای همه مصلحان و خیرخواهان امت اسلامی به ویژه فقیهان و مراجع علمی و دینی آنان، چه شیعه و چه سنی می‌باشد. خبر هر چند کوتاه بود و انعکاس زیادی نیافت، اما بسی مهم و ماندگار است. خبر عکس‌العمل حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی به هتاکیهای یک شیخ وهابی.

۱. أبا حسنٍ جميلٍ الصبرِ أُولَى
 أَلَمْ تَرَ حَوْلَكَ الْأَبْصَارَ تَرْتَوُ
 فَعَلِمَهَا فَأَنَّكَ إِنْ ضَلَلْنَا
 وَرَثَتْ مِنَ النَّبِيِّ فِصُولَ عِلْمٍ
 وَ حَمَلَكَ الْإِلَهُ خَطِيرَ رَأْيٍ
 فَقَمَّتْ بِأَمْرِ مَا حَمَلَتْ صِرْحًا
 وَ رُحَّتْ إِذْ التَّوْتُ فِيهِ الْقَضَايَا
 تَضَمَّتْ عَنِ الدَّنَايَا مِنْكَ كَفًّا
 وَ أَنْتَ إِمَامٌ هَذِهِ الْكَائِنَاتِ
 شَخْصُوكَ ضَلِيلَةٌ لِلنَّبِيَّاتِ
 هُدَانَا فِي الْقَضَايَا الْمَشْكَلاتِ
 بِأَسْرَارِ الْإِمَامَةِ مُحْكَمَاتِ
 بِهِ افْتَتَحْتَ رِجَاحَ الْمُعْضَلَاتِ
 قَوِيًّا غَيْرَ مُوْهُونِ الْقَنَاةِ
 تُسَدِّدُهُ بِحِلْمِكَ وَ الْأَنْوَاةِ
 وَ تَبْسِطُهَا بِكُلِّ الْمَكْرَمَاتِ

اصل موضوع از آنجا آغاز شد که به دنبال حملات مستمر نیروهای دولتی یمن به شیعیان زیدی مخالف و مشارکت نیروهای نظامی سعودی در این حملات، و گسترش خسارتهایی که به دو طرف به ویژه مخالفان بی‌دفاع دولت یمن، وارد می‌شد، برخی طرفهای درگیر، پیشنهاد میانجی‌گری آیت‌الله سیستانی را مطرح کردند. در پی این پیشنهاد، «محمد عریفی»، خطیب جوان و هتاک وهابی در شهر ریاض سعودی، بسی بی‌ادبی کرد و به ساحت پاک این مرجع بزرگوار به زشتی تمام اهانت روا داشت که به درستی مواجهه با عکس‌العمل شدید شخصیتها و محافل علمی و سیاسی در عراق و ایران و کشورهای منطقه شد و اقدام زشت و ناجوانمردانه این شیخ سعودی محکوم گشت و حتی دولت کویت ورود وی به کشور را ممنوع کرد. پس از این جریان، هیأت‌هایی کویتی با ایشان دیدار کردند. حضرت آیت‌الله سیستانی در دیدار با این گروهها از آنان خواست اگر چنانچه اظهارات «عریفی» درباره او صحت داشته باشد برای وی یعنی آیت‌الله سیستانی طلب مغفرت کنند و اگر صحت نداشته باشد و عریفی و امثال او به خطا رفته‌اند برای اینها از خداوند مغفرت طلب کنند. به گزارش روزنامه القدس العربی، چاپ لندن، این مرجع شیعی افزود: مؤمنان وظیفه دارند که برای حفظ وحدت اسلامی و جلوگیری از شکاف در صفوف مسلمانان در گسترش فرهنگ محبت و پابندی به آن کوشا باشند. ایشان همچنین در دیدار با هیأت کویتی از آنان خواست که امنیت و وحدت کشورشان را حفظ کنند و از برانگیختن فتنه طایفه‌ای بپرهیزند.

این‌گونه رفتار را نباید فقط در سطح یک برخورد «کریمانه» ارزیابی کرد؛ که ممکن است از سوی یک فرد متوسط یا حتی عادی جامعه رخ دهد. این رفتاری «حکیمانه» و از جایگاه فردی است که در موضع رهبری دینی و پیشوایی که صدها میلیون مسلمان شیعه و سنی به عکس‌العمل او چشم دوخته شده، صادر می‌گردد.

هتک حرمت شخصیت دینی و فقهی مرجعی بزرگ در سطح آیت‌الله سیستانی گناه کمی نیست، از سوی هر کس که باشد. اما نقشی که این مرجع از همین جایگاه در کاهش تأثیر توطئه‌های دشمنان اسلام و مسلمانان ایفا می‌کند و آرامشی که با رفتار کریمانه خود پدید می‌آورد، نشان از مراتب درایت و دور اندیشی و حکمت خیزی ایشان دارد.

اینکه فقیهی شیعی و مرجعی پرآوازه با فروتنی تمام، (چه زیباست گُرنش خورشید) خود را همدریف شیخی هتاک از مذهبی دیگر قرار دهد و به جدّ از مسلمانان بخواهد از خداوند مغفرت را برای هر یک از این دو که خطا کار است، بخواهند، یک سر آن به مکارم اخلاقی این مرد بزرگ پیوند دارد، سر دیگر آن ریشه در نوع نگاه و روح بزرگی دارد که از موضع اعتقادی، هدایت و مغفرت الاهی را تنها برای هم‌کیشان خود نمی‌خواهد و کسانی چون شیخ عرفی را حداکثر جاهلان گمراهی می‌داند که نباید از هدایت آنان قطع امید کرد و باید امیدوار بود که خداوند عنایت خویش را شامل حال آنان نیز گرداند؛ و از سوی سوم، نشان از مراتب دلسوزی و خیرخواهی برای امت اسلامی و تدبیر درست شئون مسلمانان دارد. و این هر سه، عناصر ارزشمند و راهگشایی است که جوامع اسلامی و نیز جامعه اسلامی ما سخت به آن نیازمند است، اما افسوس که به فراخور نیاز، در میان خود ندارد. جوامعی که شیخ علی قمی‌ها و شیخ محمد عرفی‌ها در آن کم نیست؛ آنچه نادر است رفتارهایی چون رفتار آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی و سیدعلی سیستانی است.

عکس‌العمل آیت‌الله العظمی سیستانی آدمی را به یاد رفتار پیشوای بزرگ شیعه حضرت علی بن الحسین، علیه السلام، می‌اندازد که به نقل مرحوم شیخ مفید در برابر یکی از نزدیکانش که پیش چشم دیگران مرتکب جسارت و هتک شده بود بُروز داد. حضرت(ع) با جمعی نشست بود. یکی از - نزدیکان که راوی وی را حسن بن حسن(رض) معرفی کرده است - از راه رسید و به دشنام دادن به حضرت پرداخت، اما امام(ع) کلمه‌ای پاسخ نداد و وقتی مرد رفت به همنشینان خود فرمود: شنیدید که این مرد چه گفت. من دوست دارم همراه من بیاید تا پاسخ من به وی را نیز بشنوید. گفتند می‌آییم، و علاقه داشتند که حضرت حساب او را کف دستش بگذارد و پاسخی در خور دهد. حضرت کفشهای خود را پوشید و حرکت کرد در حالی که این آیه را می‌خواند: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». افراد پی بردند که امام، علیه السلام، چیزی به آن شخص نخواهد گفت! به هر حال، حضرت به در منزل مرد رسید، او را فرا خواند و فرمود: به او بگویند علی بن الحسین است. مرد با وضعی بیرون آمد که گویی به دنبال شرّ بود و شک نداشت که امام، علیه السلام، برای مقابله به مثل

آمده است. اما امام، علیه السلام، به او فرمود:

ای برادرم، تو کمی قبل در برابر من ایستادی و گفתי و گفتم. اگر آنچه را که در من است گفتمی از خداوند نسبت به آن بخشش می‌طلبم، و اگر چیزهایی گفتمی که در من نیست، پس خدا تو را بیخشد. مرد، که شرمنده رفتار خود و عکس‌العمل حضرت شده بود، پیشانی آن حضرت را بوسید و گفت: بلکه درباره شما آنچه در شما نیست گفتم و من خود سزاوارتر به آن حرف‌هایم!

صلوات و سلام خداوند بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام و خاندان پاک و مطهرش که چنین فقیهانی در مدرسه علم و عمل آنان پرورش یافته‌اند. بدان امید که مسلمانان، هر کجا که هستند، به جای روبه‌رو شدن با خطابه‌های غلیظ و شدید و ادبیات تهدید و خشونت‌ورزی، همواره شاهد فروتنی، مکارم اخلاقی و رفتارهای حکیمانه حاکمان و عالمان باشند. «و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون»، صدق الله العلی‌العظیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی